

## نگرشی قرآنی بر حماسه های سیاسی اقتصادی

### حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

سید حسین حر<sup>۱</sup>



#### چکیده

شخصیت حضرت فاطمه (س) به عنوان یک زن نمونه و کامل از ابعاد مختلف قابل بررسی و پژوهش است فاطمه(س) به عنوان یک الگوی برگزیده الهی در مکتب اسلام است. تدبر و تحقیق در سیره ی عملی، عبادی، اخلاقی، ایثارگری، اقتصادی، سیاسی، عاطفی، در زندگی کوتاه مدت این بانوی بزرگوار، سرشار از درس های زندگی و انسان سازی است. در این مقاله تنها به گوشه ای از ابعاد شخصیتی فاطمه(س) بانوی نمونه اسلام در بُعد(حماسه های اقتصادی و سیاسی) می پردازیم. روش تحقیق در این مقاله به شیوه ی کتابخانه ای با تکیه بر منابع اصلی و همچنین از تحقیقات جدید نیز بهره گرفتیم. حماسه های اقتصادی و سیاسی در زندگی کوثر قرآن بازتاب و نتایج فراوانی از جمله: تکیه بر احکام اسلام و رعایت حدود الهی، برقراری عدالت اجتماعی، ایثار و از خودگذشتگی، مبارزه با غاصبان خلافت و ستمگران و از همه مهمتر دفاع از حریم ولایت و حتی (جان دادن) در راه امامت و ولایت را به همگان معرفی کرد.

#### کلید واژه

رسول خدا (ص) حضرت فاطمه (س)، امام علی (ع)، امامت، ولایت، اقتصاد، سیاست



## مقدمه

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پرورش یافته در مکتب وحی، در کنار پدر بزرگوارش خاتم الانبیاء تربیت شد. هم خودش و هم پدرش و هم شوهرش از برگزیدگان الهی و معصوم بودند. فاطمه (س) از دوران کودکی در مکتب پر ارج اسلام، با فضائل اخلاقی، عبادی و مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جمیع زیباییهای اسلام در پرتو عنایات الهی و شخصیت مقدس رسول اکرم (ص) آشنا و رشد و نمو و تربیت یافت. در حقیقت آنچه که فاطمه (س) در دوران کوتاه زندگی خود در ابعاد مختلف بویژه حماسه های اقتصادی و سیاسی از خود به یادگار گذارد، دستورات الهی بود که خداوند به پیامبرش حضرت رسول اکرم (ص) تکلیف کرده بود. و این بانوی بزرگوار مجری دستورات الهی و پیامبرش بود و به صورت زیبا و بنحو احسن در صحنه های مختلف حماسه آفرینی کرد. فاطمه (س) در دوران مختلف زندگی الگو بود. هم در دوران کودکی، هم در دوران زندگی مشترک با امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان یک همسر شایسته و فداکار و هم به عنوان مادری گرانقدر که پرورش دهنده بهترین فرزندان و نسلی که در راه دستورات خدا و پیامبرش شهادت را افتخار خود می پنداشتند و بسیاری از آنان شهید شدند. تلاش های خستگی ناپذیر این بانوی نمونه در عرصه زندگی خانوادگی، توأم با مدیریت عالی و تحکیم کانون عاطفی توأم با معنویت، زبانزد خاص و عام بود. در عرصه زندگی اقتصادی و سیاسی چنان عمل نمود که بهترین راهکارهای عملی جهت استوار سازی حاکمیت اسلامی و تحکیم مبانی دینی و اجرای دستورات اسلامی را در جامعه تبیین کرد. فاطمه (س) به راستی شایسته ی عنوان (سیده نساء العالمین) بود. رفتارها و خُلقیات و عملکرد ایشان در عرصه های مختلف زندگی برای تمام انسان های آزاده جهان بویژه زنان و امت اسلام، درس آموز است. تجلی ایثار و بخشش، روحیه قناعت و صرفه جوئی، رسیدگی به محرومین، تحمل سختیها و همدردی با پدر و همراهی با شوهر و تبعیت از ولایت و دفاع از حریم آن از اهم برنامه های زندگی آن حضرت بود. که در این مقاله با عنوان (حماسه های اقتصادی و سیاسی در زندگی کوثر قرآن) به آن پرداخته شده است. به امید آنکه مورد رضایت خداوند و خشنودی امام زمان (عج) و تمامی دوستداران و علاقه مندان به مکتب فاطمی قرار گیرد.



## حماسه های اقتصادی و سیاسی در زندگی کوثر قرآن

شخصیت حضرت فاطمه سلام الله علیها از ابعاد گوناگون درس آموز و قابل توجه است . حماسه دربردارنده اینها را ، شجاعتها و دلاوری هاست. این بانوی بزرگوار و نمونه اسلام در زندگی کوتاه خود ، حماسه آفرینی های متعدد بویژه در حوزه های اقتصادی و سیاسی از خود به یادگار گذارد . در این مقاله به برخی از مؤلفه های حماسه ساز اقتصادی و سیاسی در زندگی حضرت فاطمه(س) می پردازیم .

### ۱) روحیه مدارا با سختیها و مشکلات در طول زندگی

در قرآن کریم آمده: (فاعفوا واصفحوا لاتحبون ان یغفر الله لکم...و هم چنین آمده است): (فان مع العسر یسرا.. حضرت زهرا(س) با مدیریت لازم و با صبر و بردباری در مقابل سختی های زندگی، همه تلخی ها را به کام امام علی(ع) شیرین می کرد و در برابر مشکلات مالی عقب نشینی نمی نمود(غزالی اصفهانی ؛ ۱۳۸۹، ۲۴۸) در جواب امیر مؤمنان که پرسید . فاطمه جان چرا نگفتی چیزی در خانه نیست تا فراهم آورم ؟ گفت : علی جان من از پروردگار حیا می کنم که چیزی را که تو بر فراهم آوردن آن توان نداری ، آن را از تو بخواهم و فراهم آوردن آن را از شما درخواست کنم ) (کرمی ، ۱۳۷۹ ، ۳۷۲) علی (ع) می فرمود : فاطمه (س) محبوب ترین اهل پیامبر (ص) بود. و در خانه من زندگی می کرد آنقدر آسیاب چرخانید که آثارش در دستش آشکار شد . آنقدر آب کشید که اثر بند مشک بر شانه هایش هویدا شد . خانه جارو می کرد تا غبار لباسش را آلوده می کرد. آنقدر کار می کرد تا از فرط کار مریض شد . او یک روز گندم را آرد می کرد و یک روز می پخت و دستش پر از طاول شده بود. (حسینیان، ۱۰۳، ۱۳۷۵ و ۱۰۴) علی(ع) خطاب به فاطمه(س) فرمود: نزد پدرت برو و از او خدمتکاری طلب کن، رسول خدا (ص) فرمود : آیا به شما چیزی نیاموزم که از خدمتکار برایتان بهتر باشد ؟ چون خواستید (در بستر) بیارامید سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوئید. علی (ع) فرمود: (...فاطمه سه مرتبه گفت: از خدا و رسولش خشنود شدیم) (مجلسی، ۱۳۸۳ ، ۲۱۳ ، ۴۳)

فاطمه(س)گاهی اوقات بچه را به بغل می گرفت و کار می کرد.روزی بلال به مسجد دیرآمد. پیامبر(ص)علت را پرسید گفت: سری به فاطمه(س)زدم.گندم آسیاب می کرد درحالیکه حسن گریه



می کرد. ماندم تا کمکش آسیاب کردم (حسینیان، ۱۳۷۵، ۱۰۳) چون هزینه زندگی تأمین نمی شد گاه کار بیرون می پذیرفت. روزی علی (ع) از دباغی عبور کرد گفت آیا مقداری پشم می دهی تا دختر محمد برایت بتابد گفت: آری فاطمه (س) آنها را در مقابل سه صاع جو به نخ تبدیل کرد.

(همان منبع، ۱۰۳) روزی رسول خدا (ص) فاطمه (س) را دید که مشغول آرد نمودن گندم بود و فرزندش را نیز شیر می داد، چون پیامبر (ص) این حالت را دید اشک او روان گشت و فرمود: (ای دختر گرامی، در چشیدن تلخی دنیا برای چشیدن شیرینی آخرت شتاب کن. فاطمه گفت: ای رسول خدا، خدا را بر نعمتهایش سپاس می گویم و او را بر کرامتهایش شکر می کنم. پس خداوند این آیه را فرستاد (که ترجمه آن این است: حق تعالی در قیامت آن قدر به تو خواهد داد که خرسند شوی (مجلسی، ۱۳۸۳، ۴۳، ۲۲۱) با توجه به آنچه پیرامون روحیه حضرت فاطمه (س) در مقابل سختیها و مشکلات گفته آمد، نکاتی در ذهن متبادر می گردد

- (۱) انسان با تحمل مشکلات و سختیها آبدیده شده و روحیه مقاومت پیدا می کند .
- (۲) در صدد یافتن راهکارهای مطلوب جهت رفع مشکلات بر می آید ، زیرا (نیاز) مادر پیشرفت هاست
- (۳) در مقابل تحریم های مختلف دشمنان بویژه تحریم اقتصادی به زانو در نمی آید.
- (۴) با روحیه قناعت و صرفه جوئی و پرهیز از اسراف در صدد کمک به اقتصاد خانواده و در سطح کلان به اقتصاد کشور کمک می نماید .

## (۲) همراهی با پدر در شعب ابوطالب

در قرآن کریم آمده است: (و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ... فقد وقع اجره علی الله) از نظر تأثیر محیط زهرا (س) علاوه بر آن که در دامن مادری فداکار، با گذشت و با استقامت، و در دامن پدری چون پیامبر گرامی (ص) پرورش یافت محیط زندگی او محیط پرتلاطمی بود. مکه با آن مصیبت ها و حوادث ناگوار، محیط پرورش او بود. (مظاهری، ۱۳۹۱، ۲۶) هنگامی که مشرکان قریش دانستند که نمی توانند رسول خدا (ص) را بکشند و یقین کردند که ابوطالب او را تسلیم نمی کند، عهد نامه ای نوشتند که با احدی از بنی هاشم خرید و فروشی نکنند و به آنان زن ندهند و از آنان زن نگیرند؛ و با آنها داد و ستد نکنند مگر آنکه محمد (ص) را به آنها تسلیم نمایند تا او را بکشند. (یعقوبی، ۱، ۱۳۶۶، ۳۸۸) حضرت زهرا (س) در دوران کودکی در چنین محیط سخت و دشواری پرورش یافته و با انواع سختیها



و مرارت ها و گرسنگی ها که در مجموع سه سال بطول انجامید، دست و پنجه نرم کردند و در سایه سار مریبان ارزشمند و دلسوزی چون پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت خدیجه (س) رشد و نمو و تربیت شدند. امام علی (ع) در خصوص افشای دشمنی های قریش در نامه ای خطاب به معاویه چنین فرمودند: (خویشاوندان ما از قریش می خواستند پیامبرمان (ص) را بکشند و ریشه ما را در آورند و در این راه اندیشه ها از سرگذراندند، و هر چه خواستند نسبت به ما انجام دادند، و زندگی خوش را از ما سلب کردند، و با ترس و وحشت به هم آمیختند، و ما را به پیمودن کوه های صعب العبور مجبور کردند و برای ما آتش جنگ افروختند، اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم، و شر آنان را از حریم دین بازداریم ... (نهج البلاغه، ۹، ۳۵۵)

### ۳) همدردی با پدر

چند صباحی از مرگ ابوطالب نگذشته بود، که مردی از قریش مقداری خاک (یا خاکستر) بر سر پیامبر (ص) ریخت، پیامبر (ص) با همین وضع وارد خانه شد. چشم یکی از دختران او "فاطمه (س)" به حال رقت بار پدر افتاد، برخاست مقداری آب آورد و سر و صورت پدر عزیز خود را شست، در حالی که ناله دختر بلند بود و قطرات اشک از گوشه دیدگان او سرازیر بود. پیامبر (ص) دختر را تسلی داد و فرمود: (گریه مکن خدا حافظ پدرت است) سپس فرمود: (تا ابوطالب زنده بود، قریش موفق نشدند درباره من کار ناگواری انجام دهند) (سیحانی، ۱۳۷۷، ۱۷۳ و ۱۷۴)

### ۴) حضور در جبهه جنگ و یاری نمودن پدر

در قرآن کریم آمده است: (و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ...) جنگ احد یکی از غزوات سرنوشت ساز رسول الله (ص) است که در سرنوشت اسلام و مسلمانان تأثیر به سزایی داشت. پس از پیروزی مسلمانان در غزوه بدر، مشرکان قریش در صدد انتقام جوئی از مسلمین برآمدند و لذا با جمعیتی گسترده در سال سوم هجرت مهبیای حمله به مدینه شدند و غزوه احد را به راه انداختند. سپاه اسلام در ابتدا پیروز شدند اما به علت پاره ای از مسائل که قرآن در آیه ۱۵۲ سوره آل عمران به آن اشاره می کند شکست خوردند. (و قطعاً خداوند وعده ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می کشتید، تا آنکه سست شدید و در کار جنگ



و تقسیم غنائم به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آن که خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غنائم) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی) و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا) پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما را به شکست انجامید) تا شما را بیامید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است) در این غزوه چهارده زن آمده بودند که فاطمه (س) دختر پیامبر هم با ایشان بود. زنها خوراکی و آشامیدنی بر پشت خود حمل می کردند و مجروحان را زخم بندی و مداوا کرده و به آنها آب می رساندند. (واقعی، ۱۳۶۹، ۱، ۱۸۰) پیامبر اکرم (ص) در این جنگ مجروح شدند. فاطمه (س) خون چهره پیامبر (ص) را می شست و علی (ع) با سپر خود آب می ریخت، ولی چون فاطمه (س) دید که خون بند نمی آید، قطعه حصیری را سوزاند و چون خاکستر شد، آن را بر زخم پاشید و خون بند آمد. (همان منبع، ۱۸۱) در این جنگ هفتاد نفر یا هفتاد و چهار نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند. پیامبر (ص) مکرر می فرمود: ای کاش من هم با شهیدان کوه احد شهید می شدم. فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) هر دو سه روز یک بار به زیارت شهدا می رفت و کنار قبور ایشان می گریست و دعا می کرد (همان منبع، ۲۲۵) در جریان جنگ خندق فاطمه (س) نیز در اردو حضور داشت. «فاطمه (س) در خندق قطعه ای نان به حضور پدر آورد و گفت: برای بچه ها نان پخته مقداری هم برای شما آوردم. فرمود: دخترم این اولین غذایی است که بعد از سه روز در کام پدرت فرو می رود» (حسینیان، ۹۸، ۱۳۷۵)

### ۵) در غم شهیدان و رسیدگی به خانواده شهدا

سپاه اسلام در شام از ناحیه بلقاء از زمین دمشق که به آن (مؤته) گفته می شد با رومیان درگیر جنگ شدند، فرماندهان سپاه اسلام یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. یکی از فرماندهان که به شهادت رسید (جعفر بن ابیطالب) بود، هنگامی که خبر شهادت وی به مدینه رسید، پیامبر (ص) به خانه وی رفت. (اسماء) همسر جعفر مشغول خمیر کردن بود، پیامبر (ص) فرزندان او (عبدالله و محمد و عون) را طلبید و آنها را در آغوش گرفت و دست بر سر آنها کشید، اسماء موضوع شهادت جعفر را فهمید و شروع به گریه کرد، فاطمه (س) نیز صدای گریه وی را شنید و از شهادت پسر عمویش مطلع شد، شتابان آمد و بلند بلند می گریست و می گفت: وا ابن عمه (ای وای پسر عمویم) پس رسول خدا (ص)



در حالیکه ردای خود را می کشید و بی اختیار اشک می ریخت بیرون رفت و می گفت: (زنان گریه کننده ، باید بر جعفر گریه کنند) سپس گفت: (ای فاطمه برای خانواده جعفر خوراکی فراهم ساز که آنها گرفتارند ) پس فاطمه سه روز برای آنان خوراک تهیه کرد و این در میان بنی هاشم معمول شد . (یعقوبی، ۱، ۱۳۶۶، ۴۲۷، ۴۲۸)

### ۶) در سبک و سیره خانوادگی و اقتصادی

در قرآن کریم آمده است : (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (نحل/۹۷)، هر کس کارشایسته ای انجام دهد چه مرد و چه زن در حالی که مؤمن است او را به حیاتی پاک زنده می کنیم و قطعاً به آنها پاداش خواهیم داد ، مطابق بهترین اعمالشان (حضرت زهرا (س) مصداق حیات طیبه قرآنی است که سراسر دوران زندگی اش و کارنامه ی زیبای دوران کوتاه آن مؤید آنهاست. از جمله این حیات طیبه ، تأثیر خاصی در سبک و سیره خانوادگی و اقتصادی آن حضرت داشت که از آن جمله نقل شده که رسول خدا(ص) چون از سفر برگشت پیش از همه فاطمه(س) را دیدار می کرد و چون قصد سفر می کرد آخر از همه با فاطمه(س) وداع می کرد. زمانی فاطمه(س) برای ورود پدر و شوهرش پرده ای از پارچه خبیریه به در آویخت. چون رسول خدا(ص) آمد و آن را بدید از دیدار فاطمه در گذشت و در حالی که آثار غضب از چهره مبارکش مشاهده می شد، وارد مسجد شد و کنار منبر نشست. پس فاطمه(س) گردنبنند و گوشواره و دستبند و نیز پرده را گشود و همه را به خدمت پدرش فرستاد و پیام فرستاد که اینها را در راه خدا هزینه کنید. رسول خدا(ص) فرمود: فاطمه آنچه سزاوار بود به جای آورد و سه مرتبه فرمود : پدرش فدای او، آل محمد را با دنیا چکار ایشان برای آخرت آفریده شده اند و دنیا برای ایشان آفریده شده است . (مجلسی ، ۱۳۸۳ ، ۴۳ ، ۲۲۱)

فاطمه (رضی الله عنها)، در مکتب تأدیب پدر، ادب آموخته بود، فراموشش نمی شد که رسول خدا(ص) می فرمود : پروردگار خواست، تا بیابان مکه را انباشته از زر بمن دهد، گفتم: پروردگارا ، دوست دارم که یک روز گرسنه و دیگر روز ، سیر باشم ، تا آن روز که گرسنه ام، ترا بخوانم و به نزد تو تضرع و عرض نیاز کنم و آن روز که سیر باشم ، شکر نعمت گزارم و حمد و ثنای تو گویم. و تحت تأثیر این نوع تفکر، زهرا (س) پرورده شد و دنیا و مظاهر فریبنده آن را به چیزی نمی گرفت و از زیور



و آرایش و شهواتش، یکسره بیزار و روی گردان بود. (توفیق ابو علم، ۱۳۶۴، ۱۳۱)

## ۷) در رعایت آداب اجتماعی و سیاسی

حضرت فاطمه(س) در رعایت قوانین و اصول اجتماعی و سیاسی نیز اهتمام خاصی داشتند. هنگامی که آیه شریفه (لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...) (نور/۶۳) نازل شد. مبنی بر اینکه هر موقع که پیامبر(ص) را صدا می زنید با ادب و احترامی که شایسته مقام او است وی را بخوانید، نه همچون صدا زدن یکدیگر، زیرا بعضی از کسانی که با ادب اسلامی آشنا نبودند خدمت پیامبر(ص) می رسیدند و در میان جمع یا تنهایی مرتب: یا محمد... یا محمد می گفتند به گونه ای که شایسته یک رهبر بزرگ آسمانی نبود، هدف این است که او را با تعبیراتی مانند یا رسول الله و یا نبی الله و بالحنی معقول و مؤدبانه صدا بنیزید. (تفسیر نمونه، ۱۳۷۱، ۱۴، ۵۶۷) فاطمه(س) دختر گرانمایه پیامبر(ص) نیز که سمبل ادب و درایت و تبلور و تجسم معرفت و خرد بود و پیشتاز در عمل به قرآن شریف، دیگر پیامبر(ص) را (پدر) صدا نزد بلکه با عنوان رسالت(یا رسول الله) صدا می زد که پیامبر(ص) فرمود: دخترم فاطمه جان شما چرا؟

خودش فرمود: یک بار پدرم را سه مرتبه(یا رسول الله) صدا زدم اما به من نگریست و تبسم کرد و چیزی نفرمود تا بگویم: پدر! پدر جان و آن گاه رو به من کرد و فرمود: دخترم فاطمه جان این دستور در مورد تو و خاندان و دودمان پاکت نازل نشده است. تو از من هستی و من از تو شما مرا همواره پدر صدا بزن که این گونه ندای تو قلب مرا زنده و شاداب می سازد و خدای را خشنود (کرمی، ۱۳۷۹، ۴۳۴)

## ۸) حضور در مباحثه، معجزه ایمان و غلبه حق بر باطل

در قرآن کریم آمده است: (فمن حاجک فیه من بعد جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم...) (نجران از سرزمین های معروف کنار بحر احمر در حجاز و یمن بود. منطقه ای آباد و مسیحی نشین. اهالی مسیحی آنجا هنوز اسلام نیاورده و اسلام را به رسمیت نشناخته بودند. زیرا خود را حق و اسلام را ناحق می دانستند. ولی پس از پذیرش و تسلیم قبائل و هجوم وفدها و هیئتهای سیاسی و مذهبی به مدینه، پیامبر(ص) برای بستن قرار داد و تسلیم و پذیرش اسلام، نامه ای برای اسقف نجران داد و او با خواندن نامه حقانیت اسلام و صداقت او را





دریافت و آن را با مردم در میان نهاد ، ولی آنها حاضر به قبول اسلام نشدند و قرار شد که گروهی به نمایندگی ، به مدینه بیایند ، یک هیئت شصت نفری عازم مدینه شدند، تا دلائل نبوت را از نزدیک ببینند. پس از مذاکرات بسیار آنها مجدداً حاضر نشدند ، دست از شرک و خدایی عیسی (ع) بردارند و گفتند: (ما قبلاً ایمان آورده ایم و چون عیسی مرده زنده می کرد، او را خدای دانیم و او پسر خدا است) (حسنی ، ۱۳۸۰، ۲۵۷، ۲۵۸) فرشته وحی این آیه را نازل کرد: (إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (آل عمران، ۵۹) (مثل عیسی در نزد خدا ، هم چون مثل آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود موجود باش او هم فوراً موجود شد). بنابراین ولادت مسیح بدون پدر هرگز دلیل بر الوهیت او نیست) ولی نمایندگان مسیحی قانع نشدند و بر حقانیت خویش اصرار داشتند که این آیه نازل شد: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (آل عمران ۶۱) (هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده (باز) کسانی با تو ، به محاجه و ستیز برخیزند به آنها بگو : بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم شما هم فرزندان خود را ، ما زنان خویش را دعوت می نمایم شما هم زنان خود را ، ما از نفوس خود دعوت می کنیم شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم )

اسقف نجران به همراهان خود گفت: ببینید چه کسی با او آمده است. رسول خدا (ص) در حالیکه دست حسن (ع) و حسین (ع) را گرفته بود و فاطمه (س) پشت سر و علی (ع) پیش رویش بودند، بیرون آمد به محض ورود آنان مسیحیان احساس کردند که با دعای پیامبر (ص) هلاک خواهند شد، چون حق با اوست و تسلیم شدند . اسقف نجران به پیامبر (ص) گفت: (ای ابوالقاسم با تو مباحله نمی کنیم لیکن به تو جزیه می دهیم ، پس رسول خدا (ص) بر دو هزار جامه از جامه های قیمتی ، ارزش هر جامه ای چهل درهم و آنچه بیش و کم باشد ، بهمین حساب ، با آنان صلح کرد و برای آنها نامه ای نگاشت (یعقوبی، ۱۳۶۶، ۱، ۴۵۱) آیه مباحله یک سند زنده برای عظمت اهل بیت است . مفسران و محدثان شیعه و اهل تسنن تصریح کرده اند که آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر (ص) نازل شده است . و پیامبر (ص) تنها کسانی را که همراه خود به میعادگاه برد فرزندانش حسن و حسین و دخترش فاطمه (علیها السلام) و علی (ع) بودند. بنابراین منظور از (ابنائنا) در آیه منحصرأً حسن و حسین هستند ،



همانطور که منظور از (نسائنا) فاطمه(س) و منظور از (انفسنا) تنها علی(ع) بوده است. و احادیث فراوانی در این زمینه نقل شده است (تفسیر نمونه، ۱۳۷۱، ۲۰۴۴۰) در حالیکه بسیاری از زنان امت اسلام، از همسران پیامبر(ص) گرفته تا زنانی که قبلاً به حبشه مهاجرت کرده بودند و یا زنانی که به نوعی در غزوات حضور داشتند و بعضاً به یاری پیامبر(ص) شتافتند و یا سایر زنانی که تحت تربیت مکتب اسلام رشد و نمو کرده بودند، همه منتظر بود که قرعه به نام آنها زده شود و در مباحله حضور یابند. اما پیامبر(ص) در روز مباحله تنها دختر خود فاطمه(س) را آورد و به تعبیر قرآن که ابراهیم(ع) را یک امت تلقی می کند، حضرت فاطمه(س) هم، امتی از زنان مسلمان بود. (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (نحل/۱۲۰) ابراهیم(به تنهایی) یک امت بود مطیع فرمان خدا، خالی از هر گونه انحراف، و هرگز از مشرکان نبود)

### ۹) مظهر بخشش و ایثار: (ایثار و بخشش در شب عروسی)

امیر المؤمنین علی(ع) زره خود را فروخت و پول آن را بابت مهریه زهرا(س) به خدمت رسول خدا(ص) تقدیم داشت و پیامبر بزرگوار اسلام نیز پولها را در اختیار چند نفر از اصحاب خود قرار داده و سفارش فرمودند: برای فاطمه جهیزیه فراهم کنند... از جمله خریده‌ها بدین منظور، پیراهن عروسی بود که به هفت درهم خریداری شده بود و زهرا(س) آن را در شب عروسی به تن کرده و در حال رفتن به خانه شوهر بود، ناگهان کنیزی به دختر پیامبر(ص) سلام کرد و از مشکلاتش سخن گفت و برای رفع نیازش از آن بانوی گرامی کمک نمود. فاطمه(س) به زنانی که دور او را گرفته بودند فرمودند: کمی آرام باشید و اطراف مرا مراقبت کنید و خود از مرکب پائین آمد و در میان کاروان زنان که مانند نگین او را محاصره کرده بودند، پیراهن تازه را از تنش درآورد و آن را به کنیز سائل بخشید و خود لباس کهنه پوشید و حرکت به سوی خانه بخت را از سر گرفت. شب زفاف به پایان رسید، رسول خدا(ص) همراه با کاسه ای شیر به دیدار دختر و داماد شتافت، در حالی که صبحانه میل می کردند، رسول خدا(ص) فاطمه(س) را تماشا می کرد، در این حال پیامبر(ص) متوجه شد که دخترش زهرا لباس کهنه برتن دارد، با تعجب پرسید: دخترم چرا لباس نو نپوشیده ای؟ فاطمه: پدر جان، دیشب آن را به کنیزی بخشیدم که نیازمندش بود. رسول خدا: عزیزم مناسب بود برای مراعات حال داماد، لباس نو را برای خود نگه می داشتی فاطمه: پدر جان من این درس را از قرآن آموخته ام



که می فرماید: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) (...، آل عمران ۹۲) در احسان کردن پیوسته چیز مطلوب و مورد علاقه تان را احسان کنید) علاوه بر این، شما نیز همیشه چنین می کردید ... پیامبر(ص) دیگر سخنی نگفت، ولی گویا از درون خود به دخترش عشق می ورزید و از چنین ایمان و ایثارگری او به خود می بالید (غزالی اصفهانی، ۱۳۸۹، ۱، ۲۹۱، ۲۹۲)

سرتاسر زندگی فاطمه(س) تبلور ایثار است، هیچ گاه نیازمندی را از درگاه خویش نراند، در سخت ترین شرایط دست رد بر سینه کسی نزد، گریه کودکان گرسنه خویش را تحمل می کرد، اما یأس بیچارگان را هرگز تحمل نکرد. (حسینیان، ۱۳۷۵، ۹۳) ایثار از خصوصیات بسیار ارزنده ی اخلاقی است. در واقع توجه و عنایت و بذل و بخشش به نیازمندان و داشتن روحیه گذشت و انفاق به دیگران، در عین نیازمند بودن خود. و به عبارتی، دیگران و خلق خدا را بر خود ترجیح دادن و یا خود را فراموش کردن و بخاطر خدا به فکر دیگران بودن است. ایثار یعنی اهتمام ویژه برای برطرف کردن معضلات و مشکلات مردم داشتن است که این مهم در سایه سار ایمان حقیقی به مبدأ آفرینش و اعتقاد راسخ به معاد تجلی می یابد. که در سرتاسر زندگی فاطمه(س) به وفور و مکرر بروز یافت. و چه زیباست این خصوصیت گرانبمایه فاطمه(س) را در جامعه اسلامی ترویج دهیم و مؤمنین و مؤمنات برای رفع مشکلات مردم، اقوام، همسایگان، ایتم، زندانیان، فقرا، و... اهتمام جدی داشته باشند.

### ۱۰) حیات سیاسی حضرت فاطمه (س) بعد از رحلت رسول خدا (ص)

فاطمه (س) زندگی سیاسی و آشنائی با الفبای آن را از همان دوران خرد سالی و از سنین ۵-۶ سالگی آغاز کرد. زیرا او همه گاه به همراه پدر و حاضر و شریک در درگیری های پدر با مردم نابکار بود و دوران سخت قبل از هجرت را با همه دشواری ها و مصائب آن گذراند. آن روز که ازدواج کرد و زندگی مشترک خود را آغاز نمود. باز هم در جریان زندگی اجتماعی همگام با علی(ع) به پیش می رفت و سنگر به سنگر با او همراهی می کرد. و پس از وفات پیامبر (ص) فصلی جدید از زندگی را آغاز کرد که در آن برای تحکیم پایه های انقلاب حتی دست به احقاق حق و مبارزه گشود و در جریان سیاسی عظیمی حضور یافت که در آن بر اساس توطئه ای(از قبل طراحی شده) علی(ع)، آن رامرد جهان بشریت را از صحنه سیاست بیرون رانده بودند. (قائمی، ۱۳۷۳، ۲۸۴)

در همین رابطه سلیم بن قیس هلالی می گوید: (شنیدم که سلمان فارسی می گفت: من در زمان



بیماری رسول خدا (ص) که به واسطه آن از دنیا رفت در کنار آن حضرت نشسته بودم که فاطمه (س) وارد شد و همین که ضعف و بیماری رسول خدا (ص) را دید چنان بغض گلویش را گرفت که اشک بر گونه هایش جاری شد. رسول خدا (ص) به او فرمود: دخترم چرا گریه می کنی؟ فاطمه (س) عرض کرد: ای رسول خدا (ص) می ترسم بعد از تو حقوق من و فرزندانم را ضایع کنند. رسول خدا (ص) در حالی که چشمان مبارکش پر از اشک شده بود فرمود: ای فاطمه (س) آیا نمی دانی که خداوند متعال به جای دنیا آخرت را برای ما اهل بیت برگزیده است؟ و فناء و نابودی (دنیوی) را در مورد تمام مخلوقاتش امری لازم و حتمی قرار داده؟ (سلیم بن قیس، ۱۳۹۰، ۶۱) پیامبر (ص) در سخنانش از اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان برگزیدگان خداوند یاد کردند و به فضائل اختصاصی امیر المومنین (ع) و فضائل اختصاصی از اهل بیت (ع) و درجات مخصوص آنها اشاره فرمودند و از مظلومیت امام علی (ع) به شرح ذیل سخنانی فرمودند: «رسول خدا (ص) نظری به فاطمه (س) و همسر و فرزندان او کرده و فرمود: ای سلمان خدا را شاهد می گیرم که من با دشمن آنان دشمن و با دوست آنان دوست هستم و بدانید که آنان در بهشت در کنار من هستند» و بعد رو به علی (ع) کرده و فرمود: (ای علی (ع) تو بزودی با قریش به گونه ای مواجه خواهی شد که به شدت بر علیه تو متحد شده و بر تو ظلم خواهد کرد پس اگر یاورانی نیافتی صبر کن و دست نگهدار و خود را با دست خویش به هلاکت نیافکن، زیرا تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی (ع) هستی و هارون برای تو الگوی نیکویی است، آن هنگام که به برادرش موسی گفت: (... إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَّفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي ...) (اعراف/۱۵۰) (این قوم مرا تضعیف کرده و نزدیک بود مرا به قتل برسانند) (سلیم بن قیس، ۱۳۹۰، ۶۴)

مشی و روش سیاسی فاطمه (س) مشی اعتراض، بی اعتنائی، عدم تأیید دستگاه رهبری، مشی به محاکمه و استیضاح کشاندن رهبر و خلیفه موجود امت، مشی مظلومیت و سرانجام که فریاد به جائی نرسد گریستن است، آنها هم نه برای عقده دل خالی کردن بلکه برای بیدار کردن و هشیار ساختن اذهان به سوئی که در آنجا حقی را زنده دهنده اند. مشی سیاسی فاطمه (س) مبتنی بر ایمان و عقیده است، هدف آن سعادت انسان ها و نجات از بردگی ها و ذلت ها، و تضمین و فراهم آوردن مبادی ارزش های معقول در جامعه است. (فائمی، ۱۳۷۳، ۲۸۵)



پس از درگذشت رسول خدا(ص)، انصار، در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند. خزرجی ها می خواستند، سعد بن عباده خزرجی را به عنوان خلیفه انتخاب کنند، در این شرایط خبر، به ابوبکر و عمر و مهاجران رسید پس با شتاب آمدند و مردم را از پیرامون سعد متفرق ساختند. آنگاه ابوبکر و عمر بن خطاب و ابو عبیده جراح پیش آمدند و گفتند: ای گروه انصار، پیامبر خدا از ماست، پس بجانشینی او سزاوارتریم... (با توجه به اختلافاتی که در میان انصار وجود داشت و از وحدت و یکپارچگی برخوردار نبودند، سرانجام مهاجران برگ برنده به دست گرفتند) پس بشیر بن سعد خزرجی نخستین کسی از انصار بود که با ابوبکر بیعت کرد و سپس اسید بن حضیر خزرجی و دیگر مردمان بیعت کردند. (یعقوبی، ۵۲۲، ۱، ۱۳۶۶) متأسفانه در شورای سقیفه ابوبکر به عنوان خلیفه انتخاب گردید و گروهی از مهاجران و انصار از بیعت با ابوبکر سرباز زدند و به علی(ع) پیوستند از جمله عباس بن عبدالمطلب و فضل بن عباس و زبیر بن عوام، خالد بن سعید و مقداد بن عمرو و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار بن یاسر و براء بن عازب و ابی بن کعب بودند(همان منبع، ص ۵۲۴) ابوبکر و عمر خبر یافتند که گروه مهاجران و انصار با علی(ع) در خانه، فاطمه(س) دختر پیامبر(ص) تجمع پیدا کردند، پس با گروهی آمدند و به خانه هجوم آوردند. فاطمه(س) بیرون آمد و گفت: (بخدا قسم باید بیرون روید و گرنه مویم را در مقابل خداوند برهنه سازم و نزد خدا ناله و زاری کنم)(شما را نفرین خواهم کرد) در چنین شرایطی جمعیت متفرق شدند.(همان منبع، ص ۵۲۷)

## ۱۲) نقش فاطمه (س) در دفاع از حریم ولایت امیرالمؤمنین (ع)

در قرآن کریم آمده: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (نساء/ ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامرا... هم چنین در آیه دیگر چنین آمده: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (مائده/ ۵۵)، سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند و همانا که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکاتن می دهند ( آیات فوق دلالت بر ولایت امیرالمؤمنین علی(ع) دارد. حضرت زهرا(س) که مفسر قرآن و عمل کننده به دستورات آن است، بر اساس وظیفه الهی به دفاع از امام زمان خویش امام علی (ع) که همک شوهرش بود و هم ولی خدا و حجت الهی، به نحو احسن پرداخت. از جمله هنگامی که دار و دسته حکومتیان به



رهبری عمر لحظه ای دست از مزاحمت برنمی داشتند و برای بیعت گرفتن از علی(ع) هر روز فشار را بیشتر می کردند، خانه فاطمه(س) را مورد تاخت و تاز قرار می دادند و برای دستگیری علی(ع) نقشه ای تازه می کشیدند. کلیه هواداران علی(ع) را تحت فشار اختناق آمیز پراکنده کردند، اما تنها کسی که تا آخرین لحظات از علی(ع) دفاع کرد، فاطمه(س) بود. فاطمه(س) از هر فرصتی برای خلع سلاح خصم استفاده می کرد، گاهی مردم را به یاد واقعه غدیر می انداخت و می فرمود: «آیا قول رسول خدا(ص) در روز غدیر را فراموش کرده اید که فرمود: هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست؟ یا گفتار او را که فرمود: ای علی نسبت به تو به من مانند نسبت هارون به موسی است؟» (حسینیان، ۱۳۷۵، ۱۷۲)

هنگامی که علی(ع) را به اجبار پیش ابوبکر آوردند. عمر گفت: تا بیعت نکنی رهایت نمی کنیم. وی در پاسخ آنان گفت: اگر بیعت نکنم چه می شود؟ به او گفتند: در این صورت، به خداوندی که جز او خدائی نیست؛ گردنت را خواهیم زد. او گفت در این صورت، بنده خدا و برادر رسول خدا(ص) را کشته اید(غلامی، ۱۳۸۵، ۲۱۱) فاطمه(س) با همان حال زار و نزار و دردمند به مسجد رفت و فریاد کشید دست از شوهرم علی(ع) بردارید من ستم به او را نمی توانم تحمل کنم: بخدا قسم اگر رهایش نکنید به مزار پیامبر(ص) روم، گیسو پریشان کنم و همه تان را نفرین نمایم (قائمی، ۱۳۷۳، ۳۱۴)

## آتش در حریم ولایت

با توجه به استقامت امیرالمؤمنین(ع) و دفاع ارزنده و شجاعانه و حماسه آفرین فاطمه(س) از حریم ولایت، دشمنان ولایت دست به عمل زشتی زدند و به خانه فاطمه(س) هجوم آوردند. خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب می فرماید: «ای کسانی که ایمان دارید، داخل خانه ی پیامبر نشوید، مگر این که به شما اذن داده شود» مگر خانه ی زهرا(س) طبق روایات خود اهل سنت مصداق اتم آیه ۳۶ سوره نور نیست؟ خداوند در این آیه می فرماید: «(آن نور) در خانه هایی است که خداوند اجازه داده که ارجمندش دارند و نام خدا در آنها یاد شود و در آن خانه ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند» در مورد این آیه حاکم ابوالقاسم حسکانی در کتاب خود می نویسد: (انس بن مالک و بریده گفتند پیامبر این آیه را قرائت کرد: فی بیوت اذن الله ان ترفع... و الابصار) مردی بلند شد و گفت: یا رسول الله اینها کدام خانه ها هستند؟ فرمود: خانه های پیامبران. ابوبکر بلند شد و گفت: یا رسول اله خانه علی



و فاطمه هم از آنهاست؟ فرمود: آری از بهترین آنهاست (حسکانی ۱۳۸۱، ۲۲۰) پس چگونه است که به بهترین خانه ی عالم چنین جسارت می شود؟ و شاید در اواخر حیات ابوبکر، همین احادیث به یادش آمد که چنین آرزو کرد: «آرزو داشتم که خانه فاطمه را نمی گشودم» (جمعی از نویسندگان، کاش یک افسانه بود، ۱۳۸۴، ۱۵) و با این آرزو به گناه خود اعتراف کرد، ولی باز تصمیم به توبه نگرفت. در کتاب الامامه و السیاسه آمده است: (عمر آمد و علی(ع) و دیگر کسانی را که در خانه وی بودند صدا کرد که بیرون بیایند، ولی قبول نکردند. عمر گفت: قسم به خدایی که جانم در دست اوست، بیرون می آئید یا خانه را با هر که در آن هست آتش می زنم. به عمر گفتند: فاطمه(س) در خانه است. گفت باشد، خانه را آتش می زنم. (عسکری، ۱۰۱، ۱۳۸۹) آنچه پیامون برخوردار با علی(ع) و دختر پیامبر فاطمه(س) باید گفت این است که اولاً چرا عمر می خواهد قبل از دفن پیامبر(ص) حتماً از علی(ع) بیعت گرفته شود. ثانیاً آیا چنین اعمالی با داماد و دختر پیامبر درست بود که با زور و فشار و تهدید به آتش زدن خانه، از آنها بیعت گرفته شود حتی اگر علی(ع) را به عنوان یک مسلمان بدون امتیازاتش به حساب آوریم این چنین رفتار با او درست بود که به زور به کاری وادارش کنند. آیا این سیره پیامبر بود؟ رسول خدا(ص) حتی چنین رفتاری با یهودیان تا زمانی که عملی علیه اسلام انجام ندادند، نداشت. یهودیان را به رسمیت شناخت، امنیتشان را بر هم نزد و حرمتشان را نگاه داشت. آیا بهتر نبود که ابوبکر اجازه ندهد با علی(ع) چنین رفتاری شود و مثل علی بن ابیطالب در دوران خلافتش عمل می کرد. (منتظر القائم، ۱۳۷۰، ۵۶) شایان ذکر است که با استناد به متون تاریخی امیرالمؤمنین علی(ع) در دوران کوتاه خلافتشان با رفتار و اصول ارزنده اسلامی و انسانی با دیگران برخورد داشتند و افرادی که از بیعت با ایشان خودداری می کردند با بزرگواری از کنارشان گذشتند و آنها را مجبور به بیعت نکردند. از جمله ی این افراد سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر، مغیره بن شعبه، سعید بن عاص، مروان بن حکم، و ..... بودند (مسعودی، ۱۳۷۴، ۱، ۷۰۹، ۷۱۰)

### ۱۳) غصب فدک و مبارزه سیاسی حضرت فاطمه (س)

حکومت ابوبکر در آستانه ی فعالیت خود، به درآمدهای هنگفتی نیازمند بوده است. خبر ارتداد قبائل و احتمال هجوم به مدینه سبب می شد که خلیفه به فکر سامان ارتش و تأمین مخارج آنان باشد و فدک یکی از بهترین منابع درآمد شناخته می شد. (سرزمین آباد فدک در نزدیکی خیبر و





فاصله آن تا مدینه در حدود ۱۴۰ کیلومتر بود، در جریان جنگ خیبر پیامبر(ص) به امر خداوند فدک را به عنوان میراث به حضرت فاطمه(س) بخشید) در همان ایام وقتی سرانجام حضرت فاطمه(س) گواهانی نزد ابوبکر حاضر کرد و او سندی بر مالکیت فاطمه(س) نگاشت، عمر آن سند را پاره کرد و به ابوبکر گفت: در حالی که عرب از چهارسو به جنگ تو روی آورده، اگر فدک را به فاطمه بازگردانی، از کجا مخارج مسلمانان را تأمین می کنی؟ با مصادره فدک، عمده ترین امکانات اقتصادی بنی هاشم و علی بن ابیطالب(ع) از دست ایشان خارج شد و حکومت اطمینان یافت که پس از این، دیگر برای علی بن ابیطالب(ع) سازماندهی نیروها علیه حکومت ابوبکر تقریباً ناممکن است. (غلامی، ۱۳۸۵، ۲۳۷) فاطمه(س) می خواهد بگوید فدک حق من است و این حق باید رعایت گردد. او می خواهد با غصب حق مبارزه کند و حرمت اموال مسلمین حفظ بماند. البته به این نکته آگاه است که مسأله فدک به یک معنی غصب ولایت مطلقه است و دشمن به همین دید و نظر آن را از فاطمه(س) بازداشته بود فاطمه(س) اعلام حق می کند و دستگاه حاکمه را از سوء اعمال بر حذر می دارد. با روشنگری خود و ذکر آیات مربوط به ارث سعی دارد به آنان تفهیم کند که خلاف قرآن عملی کرده اید و کسی که این چنین باشد در خور حاکم اسلامی شدن نیست... (قائمی، ۱۳۷۳، ۲۸۷)

حضرت فاطمه (س) در قسمتی از خطبه ی خود در مسجد مدینه چنین فرمودند: «پس آنگاه که خداوند برای پیامبرش سرای انبیاء و جایگاه برگزیدگانش را انتخاب کرد در میان شما خار و خشک نفاق پیدا شد و جامه دین کهنه گردید و گمراهان ساکت به نطق درآمده و گمنامان کم ارزش قدر و منزلت یافتند... و حال آنکه از عهد و پیمان شما (در روز غدیر خم) چیزی نگذشته و زخم دل ما گشاده و وسعت یافته و جراحی قلب ما بهبودی نیافته و هنوز پیامبر دفن نشده بود، و آنچه کردید به گمانتان برای ترس از فتنه بود. آنگاه باشید که در فتنه افتادید و دوزخ بر کافران احاطه دارد»

در قسمتی دیگر از خطبه چنین فرمودند: (...ای پسر ابو قحافه آیا در کتاب خداست که تو از پدربرت ارث بیری و من از پدرم ارث نبرم؟ تهمت و بدعت زشتی را آورده ای آیا از روی عمد کتاب خدا را ترک کرده و آن را پشت سرتان انداخته اید؟ آنجا که می فرماید: سلیمان از داود ارث برد و در آنجا که داستان یحیی بن زکریا را یاد می کند که او می گوید: وارثی (فرزندی) از جانب خودت به من ببخش تا از من و آل یعقوب ارث ببرد... (فولادگر، ۱۳۹۰، ۵۱، ۵۷)

در واقع غصب فدک در دوران خلیفه اول از یکسو نشانگر انحراف از مسیر قرآن و حق بود. و از دوم





سو بی توجهی به سیره و سنت پیامبر(ص) بود و از سوم سو مبارزه با ولایت و نپذیرفتن خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) و حقانیت وی را در برداشت و از چهارم سو تلاش در جهت تنزل شخصیت اهل بیت (علیهم السلام) بویژه حضرت فاطمه(س) بود و از پنجم سو احیای سنت های جاهلی و شیخوخیت قبیله ای را در برداشت. و از سوی ششم، ترویج بدعت ها و خبط های متعدد و انحراف از شریعت مبین اسلام بود.

با توجه به آنچه گفته آمد در واقع اعتراض فاطمه(س) به علت انحرافات پدید آمده، در جهان اسلام پس از ارتحال جانسوز رسول الله(ص) بود. از اینکه چه زود راه و روش پدرم رسول خدا(ص) و دستورهای الهی او را فراموش کردید و از دین الهی فرسنگ ها دور شده و فاصله گرفتید.

#### **(۱۴) روش های گوناگون حماسه سیاسی در زندگانی فاطمه (س)**

۱۰) **تکیه بر اعلام حق:** او در مسأله فدک بیش از آنکه به جنبه مالی و اقتصادی آن توجه داشته باشد به جنبه حقانیت مسأله عنایت می کند.

۲۰) **بر خورداری از صراحت لهجه:** او چنان از صراحت لهجه برخوردار است که به ابوبکر گفته بود بخدا قسم من در هر نمازی که می خوانم به تو نفرین می کنم و در بیان این مسأله بیمی به خود راه نمی دهم و در سخنان او ابهامی وجود ندارد.

۳۰) **مشی و روش احتجاج:** فاطمه(س) در مشی و روش خود گاهی از شیوه احتجاج استفاده می کند و از اصحاب و انصار رسول خدا(ص) نظر خواهی می کند، با آنها از در روشنگری و اعلام نظر وارد می شود. همین که فاطمه(س) در مسجد می ایستد و خطبه می خواند و به آیات قرآن درباره حقانیت خود استفاده می کند خود احتجاج است.

۴۰) **مشی توبیخ:** در بستر بیماری خود در برابر جمعی از زنان مهاجر و انصار درباره غصب حق علی(ع) آنها را سرزنش و آینده را برای شان پیش بینی کرد تا خبر آن را برای همسران خود بازگویند.  
(قائمی، ۱۳۷۳، ۲۸۷، ۲۸۹)

۵۰) **روش برانگیختن و بیدارسازی انصار:** علی(ع)، شب هنگام، فاطمه(س) را بر چهار پای می نشاند و به در خانه های انصار می برد و از آنان می خواست تا وی را در باز پس گرفتن حشش یاری دهند. فاطمه(س) نیز آنان را به یاری علی(ع) می خواند. آنها به فاطمه(س) می گفتند: ما با ابوبکر



بیعت کرده ایم و کار از کار گذشته . اگر پسر عمویت ، برای به دست گرفتن زمام خلافت، بر ابوبکر پیشی گرفته بود ، البته ما ابوبکر را نمی پذیرفتیم . علی(ع) در پاسخ آنان فرمود : آیا انتظار داشتید من جنازه پیامبر خدا(ص) را ، بدون غسل و کفن در خانه رها می کردم و برای بدست گرفتن خلافت و جانشینی او با مردم درگیر می شدم؟ فاطمه(س) نیز اضافه کرد: « ابوالحسن آنچه را که شایسته بوده انجام داده است ولی مردم کاری کرده اند که ، سال ها بعد، خدا به حسابشان خواهد رسید و باید جوابگوی آن باشند »(عسکری ، ۱۳۸۹ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰)

**۶۰) روش بی اعتنائی و مات کردن ظالمین:** شیخین (ابوبکر و عمر) از فاطمه(س) رخصت خواستند(برای تبرئه خود از ستمی که به حضرت فاطمه(س) روا داشته بودند) اما فاطمه(س) موافقت نکرد و اجازه ملاقات نداد ، ناچار به نزد علی(ع) رفتند و با او موضوع را در میان نهادند . علی(ع) موفق شد که فاطمه(س) را راضی کند و آندو را به حضور زهرا ببرد . چون نزد او حاضر آمدند، روی از آنان برگردانید و رخسار، به جانب دیوار کرد... فاطمه(س) گفت : اگر حدیثی از پیامبر خدا(ص) برای شما دو تن نقل کنم قبول می کنید ؟ گفتند : آری گفت : شما را به خدا سوگند ، از رسول خدا (ص) نشنیدید که می فرمود : (خشنودی فاطمه خشنودی من است و خشم او خشم من ، هر کس فاطمه دختر مرادوست بدارد ، مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود کند مرا خشنود نموده و هر کس فاطمه را بخشم آورد ، مرا به خشم آورده است) گفتند: آری این گفته رسول خداست که خودمان از او شنیده ایم . فرمود: « پس خدا و فرشتگان خدا را گواه می گیرم که شما دو تن (ابوبکر و عمر) مرا بخشم آوردید و رضایت خاطر مرا فراهم نساختید و من ، آنگاه که پیامبر(ص) را ملاقات کنم، از شما نزد او شکایت خواهم کرد و دادخواهی خواهم نمود » (توفیق ابوعلم ، ۱۳۶۴ ، ۲۱۷)

**۷۰) روش مظلومانه توأم با گریستن:** گریه های شورانگیز و شعورآفرین فاطمه(س) دارای علل و عوامل متعددی بود و آن حضرت بر تحول شوم و ظالمانه، برآفت ها و حق کشی ها و فاجعه های فکری ، فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و انسانی بسیاری می گریست. درست همان گونه که پیام های جاودانه و انسان ساز پرسوز و گداز و بیت الاحزانش متنوع بود(کرمی، ۱۳۷۹ ، ۷۶۳)

**۸۰) سیاست پس از مرگ:** فاطمه(س) آن زن سیاستمداری است که حتی از جنازه و مرگ خود ابزاری ساخت. دستگاه خلافت حتی از مرگ فاطمه(س) وحشت داشت و این وحشت او بی مورد هم نبود . می ترسید فاطمه(س) موضعی اتخاذ کند که بر رسوائی آنها بیفزاید و پیش بینی آنها درست



آمد(قائمی، ۱۳۷۳، ۲۹۲) فاطمه(س) به امیرالمومنین علی(ع) وصیت می کند که: «...هیچ یک از آنها که به من ستم کردند و حقم را گرفتند. بر جنازه من حاضر نشوند زیرا آنها دشمن من و دشمن رسول خدایند. نیز نگذاری که از احدی از ایشان و پیروان ایشان بر من نماز بخواند. مرا در شب دفن کن، هنگامی که چشمها آرمید و به خواب رفت»(مجلسی، ۱۳۸۳، ۴۳، ۴۴۵) اصرار فاطمه(س) که قبرش مخفی بماند خود بیان این خواسته است که نشانه ای از مظلومیت ابدی او در جامعه باقی باشد. او می خواست دشمنان دوست نما معرفی گردند. ابهام ها از بعضی اذهان دیر فهم زدوده شوند و در یابند که فاطمه(س) چگونه می اندیشید(قائمی، ۱۳۷۳، ۲۹۳)

## نتیجه

حماسه اقتصادی و سیاسی در زندگی کوثر قرآن فاطمه(س) به مردم آموخت که چگونه بایستی برای احقاق حقوق اسلامی و رعایت حدود الهی در جامعه، رعایت حقوق مظلومان، برقراری عدالت، ایثار و از خود گذشتگی، مبارزه با غاصبان و طاغوتها عمل کنند. و راه صحیح پیروی از ولایت و دفاع از حریم آن را به درستی به مردم خاطر نشان ساخت. و اینکه راه نجات و سعادت مندی جامعه در گرو عمل به کتاب خدا(قرآن) و سیره و سنت پیامبر(ص) و پیروی از ولایت امیر المؤمنین و فرزندان ایشان(علیهم السلام) و عمل به دستورات آنان است را معرفی و پدیدار ساخت. مشی و روش سیاسی فاطمه(س) در اثر گذشت زمان به مردم تفهیم کرد که نتیجه بی توجهی آنان به کتاب خدا(قرآن) و اهل بیت علیهم السلام و ولایت آنها، خارج شدن از (صراط مستقیم) که راه همه انبیاء الهی و اولیاء خدا بوده، و حاکم شدن افراد بی ارزش و نالایق در کرسی خلافت را در برداشته و متوجه شدند که مقصر الهی خودشان هستند.

( اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر آنچه هست از مسلمانی ماست )

مدافعات و خطبه ها و احتجاجات فاطمه(س) در مقابل خلفای ستمگر و غاصب به مردم آموخت که در راه عقیده اسلامی و آرمان های آن و تبعیت از ولایت حتی باید(جان) داد و نباید عقیده اسلامی را فدای قبیله و خود خواهی ها و حسادت های شخصی و جاهلیت های گروهی از خدا بی خبر کنند



## منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم
- ۲) نهج الفصاحه (سخنان و خطبه های رسول الله (ص))، ۱۳۸۸، تصحیح و تنظیم محمد امین شریعت ، اصفهان ، انتشارات خاتم الانبیاء، چاپ هفتم
- ۳) علی (ع) ، نهج البلاغه ، ( ۱۳۸۱)، محمد دشتی ، قم ، انتشارات حضور ، چاپ اول
- ۴) توفیق ابو علم ، (۱۳۶۴) فاطمه زهرا (س) ، ترجمه علی اکبر صادقی، تهران ، انتشارات امیرکبیر ، چاپ ششم
- ۵) جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱) ، تفسیر نمونه ، تهران ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- ۶) جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴) کاش یک افسانه بود (بیان واقعه شهادت حضرت زهرا (س) از دیدگاه اهل سنت) ، قم، انتشارات امیر کلام
- ۷) حسکانی، حاکم ابوالقاسم ، (۱۳۸۱)، سیمای امام علی (ع) در قرآن (ترجمه کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل)، ترجمه یعقوب جعفری، انتشارات اسوه ، چاپ اول
- ۸) حسنی ، علی اکبر ، ۱۳۸۰، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام ، ج ۱، تهران ، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ ششم
- ۹) حسینیان ، روح الله ، (۱۳۷۵)، فرشته زمینی زندگانی حضرت زهرا (س) ، تهران ، انتشارات دارالحدیث ، چاپ اول
- ۱۰) سبحانی ، جعفر ، ۱۳۷۷؛ فراز هایی از تاریخ پیامبر اسلام، نشر مشعر ، چاپ دهم
- ۱۱) سلیم بن قیس (۱۳۹۰) ، اسرار آل محمد (ص) ، ترجمه محمد اسکندری ، انتشارات آرام دل ، چاپ چهارم
- ۱۲) عسکری ، سید مرتضی (۱۳۸۹) سقیفه، به کوشش مهدی دشتی ، تهران ، انتشارات علامه عسکری ، چاپ هفتم
- ۱۳) غلامی، یوسف (۱۳۸۵)، پس از غروب (تحلیل رخدادهای پس از رحلت پیامبر (ص) تا پایان عصر سومین زمامدار)، قم، انتشارات نجم الهدی، چاپ دوم
- ۱۴) غزالی اصفهانی ، علی (۱۳۸۹)، دانستنیهای فاطمی، ج ۱، قم، انتشارات عطر عترت، چاپ اول
- ۱۵) فولادگر، محمد، ۱۳۹۰، تجلی علم نبی و وصی در کلام دخت نبی (شرح خطبه فاطمه (س) در مسجد مدینه)، اصفهان، انتشارات نورین سپاهان، چاپ اول
- ۱۶) قائمی، علی (۱۳۷۳) ، در مکتب فاطمه (س) ، تهران ، انتشارات امیری ، چاپ سوم
- ۱۷) کرمی ، علی (۱۳۷۹) ، سیره و سیمای ریحانه پیامبر (ص) ، قم ، انتشارات دلیل ، چاپ اول
- ۱۸) مجلسی ، محمد باقر ، (۱۳۸۳) ریحانه النبی ، (ترجمه جلد ۴۳ بحارالانوار ) قم ، انتشارات کوثر النبی ، چاپ دوم
- ۱۹) مظاهری ، حسین (۱۳۹۱) زندگانی چهارده معصوم (ع) ، تهران ، نشر کیمیا ، چاپ اول
- ۲۰) منتظر الفائم ، اصغر ، (۱۳۷۰) ، سقیفه واقعه پس از پیامبر (ص) ، اصفهان ، انتشارات میثم ، چاپ اول
- ۲۱) مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴) مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم
- ۲۲) یعقوبی ، احمد ، (۱۳۶۶) ، تاریخ یعقوبی ، ترجمه محمد ابراهیم آیتی ، ج ۱، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ پنجم ،
- ۲۳) واقدی ، محمد بن عمر (۱۳۶۹) مغازی (تاریخ جنگهای پیامبر (ص)) ترجمه محمود مهدوی دامغانی ، ج ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی چاپ دوم